

جلسه فیلیپیان هارمون 09

من دکتر متیو اس. هارمن هستم در مجموعه مقالاتش در مورد فیلیپیان، با عنوان «در انجیل عیسی مسیح شاد باشید». «این جلسه شماره نه، نمونه‌هایی از طرز فکر مسیح‌گونه، بخش اول، همکاران پولس، فیلیپیان فصل دوم، آیات ۱۹ تا ۳۰ است. به جلسه نهم از مطالعه ما در مورد فیلیپیان خوش آمدید.

ما این جلسه را با عنوان «نمونه‌هایی از طرز فکر مسیح‌گونه، بخش اول» «با عنوان» همکاران پولس «نامگذاری کرده‌ایم. در این جلسه به فیلیپیان، فصل دوم، آیات ۱۹ تا ۳۰ خواهیم پرداخت. پس بیایید ادامه دهیم و متن را بخوانیم.

در واقع، قبل از اینکه این کار را انجام دهیم، قبل از اینکه متن را بخوانیم، بیایید به خودمان یادآوری کنیم که در متن قبلی در فصل دوم، آیات ۱۲ تا ۱۸، کجا بودیم. بنابراین در آن متن، دیدیم که پولس از فیلیپیان می‌خواهد تا نجات خود را از ترس و لرز بیابند. و او تأکید کرد که این یک پروژه انفرادی نیست.

این پروژه‌ای نیست که ما با تلاش یا قدرت خودمان انجام دهیم، بلکه مسئولیت ما این است که از ابزار فیضی که خدا به ما داده است استفاده کنیم. اما در نهایت، خدا کسی است که در مؤمنان کار می‌کند تا هم میل و هم قدرت اطاعت را به آنها بدهد. و سپس در آن بخش، بخش دوم آن متن، پولس به فیلیپیان در مورد اجتناب از اشتباهات اسرائیل هشدار می‌دهد.

ما چندین اشاره در عهد عتیق دیدیم که تضادی را بین شکست اسرائیل در بیابان از طریق غرورها و شکایت‌هایشان و این واقعیت که آنها فرزندان مطیعی نبودند، نشان می‌دهد. و پولس از فیلیپیان می‌خواهد که آن چیزی باشند که اسرائیل نتوانست باشد، و اینکه آنها بر اساس کار خدا در زندگی‌شان قدرت انجام این کار را دارند. و وقتی آن بخش را با استفاده از تصاویر قربانی به پایان می‌رساند تا زندگی خود را به عنوان یک هدیه نوشیدنی که بر روی هدیه ایمان فیلیپیان ریخته می‌شود، به تصویر بکشد.

بنابراین، اکنون به فیلیپیان، فصل دوم، آیات ۱۹ تا ۳۰ می‌رسیم. برای اینکه متن را دنبال کنم، پولس می‌نویسد: «به نام خداوند عیسی امیدوارم که به زودی تیموتائوس را نزد شما بفرستم تا من نیز از شنیدن خبر شما شاد شوم. زیرا من کسی را مانند او ندارم که واقعاً نگران رفاه شما باشد».

زیرا همه آنها به دنبال منافع خود هستند، نه منافع عیسی مسیح. اما می‌دانید که تیموتائوس لیاقت خود را ثابت کرده است، چگونه مانند پسری با پدر، در انجیل با من خدمت کرده است. بنابراین، امیدوارم به محض اینکه بینم اوضاع برای من چگونه پیش خواهد رفت، او را بفرستم.

و به خداوند توکل می‌کنم که به زودی خود نیز خواهم آمد. لازم دیدم اپافرودیتوس را نزد شما بفرستم، برادر و همکار و هم‌رزم من، و پیام‌آور و خادم شما برای رفع نیاز من. زیرا او مشتاق همه شما بوده و از شنیدن خبر بیماری‌اش پریشان شده است.

در واقع، او بیمار و مشرف به مرگ بود. اما خدا بر او رحم کرد، و نه تنها بر او، بلکه بر من نیز، مبادا غمی بر جانم باشد. پس من مشتاق‌ترم که او را بفرستم تا شما از دیدن دوباره او شاد شوید و من کمتر نگران باشم.

پس او را در خداوند با کمال شادی بپذیرید و چنین مردانی را گرامی بدارید. زیرا او نزدیک بود برای کار مسیح بمیرد و جان خود را به خطر انداخت تا نقص خدمت شما به من را تکمیل کند. بنابراین، وقتی به این متن نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که پولس نمونه‌هایی از طرز فکر مسیح‌گونه را ارائه می‌دهد.

و در واقع، این از فیلیپیان ۲:۱۹ تا ۳:۱۴ ادامه خواهد داشت. در اینجا، در آیات ۱۹-۲۰، تمرکز بر همکاران پولس است. بنابراین او درباره تیموتائوس صحبت خواهد کرد، درباره اپافرودیتوس صحبت خواهد کرد. و سپس توجه خود را به مثال خودش در فیلیپیان ۳ آیات ۱-۱۴ معطوف خواهد کرد.

و همه اینها به عنوان نمونه‌هایی از طرز فکر مسیح‌گونه در نظر گرفته شده‌اند. پولس اشاره می‌کند که بله، توصیف طرز فکر مسیح‌گونه مهم و مفید است. بله، نشان دادن اینکه چگونه مسیح نمونه و کامل‌ترین تجسم این طرز فکر است، بسیار مهم است.

اما در نهایت، او همچنین می‌داند که وقتی ما نمونه‌های ملموس و واقعی در زندگی خود داریم که می‌توانیم به آنها نگاه کنیم، آن تعلیم غنا و بافت کاملاً جدیدی به خود می‌گیرد. بنابراین او ابتدا به همکارانش اشاره می‌کند و این تمرکز فیلیپیان ۱۹:۲-۳۰ است. و او در مورد دو همکار خاص برای ما صحبت می‌کند. اولین نفر تیموتائوس است و تمرکز آیات ۱۹-۲۴ بر این موضوع است.

او چندین نکته در مورد شخصیت تیموتائوس می‌گوید. او به نگرانی مسیح‌گونه‌ی او برای دیگران اشاره می‌کند. در واقع، این همان چیزی است که او واقعاً با آن هدایت می‌کند.

او می‌گوید کسی مانند او نیست. آیه ۲۰، که واقعاً نگران رفاه شما باشد. و ما این را با دیگران مقایسه می‌کنیم.

آنها، این دیگران، همه به دنبال منافع خود هستند، نه منافع عیسی مسیح. با این دلالت که تیموتائوس به دنبال منافع عیسی مسیح است. و اگر با دقت گوش دهید، پثواک آنچه پولس در فصل ۲، آیات ۳ و ۴ گفته است را می‌شنوید. زمانی که او در مورد اینکه هر یک از شما نه تنها به منافع خود، بلکه به منافع دیگران نیز توجه کنید، صحبت کرد.

بنابراین تیموتائوس مظهر آن نوع فروتنی فداکارانه‌ای است که می‌خواهد مردم در زندگی خود آن را تجربه کنند. این اولین چیزی است که در مورد شخصیت تیموتائوس می‌بینیم. دوم، پولس از عبارتی که در آیه ۲۲ ارزشش ثابت شده است، استفاده می‌کند.

اینکه فیلیپیان این را می‌دانند، یعنی ارزش اثبات‌شده‌ی او را می‌دانند. و تصویر آن زبان در آنجا، فلزاتی است که زیر آتش آزمایش شده‌اند. و بنابراین تصویر کلمه در آنجا این است که تیموتائوس، ارزش اثبات‌شده‌اش در بوته‌ی آزمایش زندگی روزمره و خدمت و خدمت، نشان داده شده است.

که او این را نشان داده است. و ما می‌بینیم که همین کلمه برای ارزش اثبات شده در رومیان فصل ۵، آیه ۴ نیز ظاهر می‌شود. سومین چیزی که در مورد شخصیت تیموتائوس می‌بینیم این است که او با پولس رابطه پدر و پسر دارد.

و این در آیه ۲۲ آمده است، وقتی پولس می‌نویسد، به عنوان پسر که پدری دارد، او با من در انجیل خدمت کرده است. در دنیای باستان، بسیار رایج بود که اگر پدر شما حرفه‌ای داشت، پسر نیز در آن حرفه ادامه می‌داد. بنابراین اگر پدری نجار بود، انتظار می‌رفت که پسر نیز نجار باشد و در کنار پدر کار کند و مهارت‌ها و فنون آن حرفه را بیاموزد و اساساً به عنوان نوعی شاگرد تحت راهنمایی پدرش خدمت کند.

و بنابراین تصویری که پولس در اینجا برای ما ترسیم می‌کند این است که تیموتائوس مانند پسرش در خدمت انجیل با او کار می‌کرد و در کنار پولس می‌آموزید. و این تنها جایی نیست که پولس از این زبان برای اشاره به تیموتائوس استفاده می‌کند. او در دو نامه‌ای که به تیموتائوس می‌نویسد نیز با زبان پسرخواندگی به تیموتائوس اشاره می‌کند.

و سوءتفاهم نشود، این صرفاً یک رابطه‌ی شغلی نبود. این‌طور هم نبود که صرفاً یک رابطه‌ی کاری باشد. نوعی گرمی محبت، نزدیکی وجود دارد، و حتی احتمالاً این برداشت از اصطلاح رایج عبری است که می‌گوید پسر باید شبیه پدرش باشد.

بنابراین اگر شما مانند پولس در افسسیان فصل دوم بگویید، وقتی او در مورد فرزندان خشم صحبت می‌کند، ایده این است که آن فرزندان چنان با خشم مشخص می‌شوند که خشم باید پدر آنها باشد. و بنابراین ایده اینجا در مورد رابطه پدر و پسر این است که تیموتائوس ویژگی‌های پولس را به خود گرفته و در کنار او خدمت می‌کند. و به همین دلیل است که او می‌تواند در آیه 20 بگوید، من کسی مانند او ندارم.

رابطه‌ی پولس با تیموتائوس منحصر به فرد است. و ظاهراً فیلیپیان تیموتائوس را می‌شناسند زیرا او در تیمی بود که به تأسیس آن کلیسا کمک کرد. در واقع، داستان پیوستن تیموتائوس به تیم خدمتگزاری پولس درست قبل از داستان تأسیس کلیسای فیلیپی اتفاق می‌افتد.

و بنابراین، این می‌توانسته در اوایل تجربه خدمت تیموتائوس باشد. اکنون، حدود ۱۰ سال بعد، آنها احتمالاً با اطمینان بیشتری می‌دانند که تیموتائوس همکار محبوب پولس در خدمت است و با او رابطه پدر و پسر دارد. و در نهایت، از نظر شخصیت، ما ارزش شاگردی و راهنمایی در کلیسا را می‌بینیم.

من فکر می‌کنم این حوزه‌ای است که بسیاری از کلیساها برای اجرای مؤثر آن با مشکل مواجه هستند. و وقتی در مورد شاگردی و مربیگری صحبت می‌کنم، فقط در مورد برنامه‌های خاص صحبت نمی‌کنم. شما می‌توانید برنامه‌هایی را در کلیسا اجرا کنید که بتواند به تسهیل این امر کمک کند.

اما برخی از قدرتمندترین شاگردی‌ها و راهنمایی‌ها به شیوه‌ای طبیعی‌تر اتفاق می‌افتند. و اینجاست که به نظر من مؤمنانی که کمی در مسیر پیشرفت هستند، باید آگاهانه به دنبال مؤمنان جوان‌تر باشند، چه از نظر سن و چه حتی صرفاً تجربه و بلوغ معنوی، و آگاهانه با آنها وقت بگذرانند، درباره زندگی معنوی‌شان بیشتر بیاموزند، سعی کنند مشوق باشند، در صورت لزوم حکمت ارائه دهند و چیزهایی از این قبیل. و یکی از چیزهایی که در مورد نسل‌های جوان‌تر بیشتر مرا تشویق می‌کند این است که به نظر می‌رسد عطش و اشتیاق بیشتری برای شاگردی و راهنمایی شدن وجود دارد.

و اغلب مشکل کلیساها این است که تعداد کافی از مردان و زنان مسن‌تر برای کمک به رفع آن نیاز پیشقدم نمی‌شوند. بنابراین پولس در اینجا این موضوع را الگو قرار می‌دهد و غیرمستقیم در مورد آن صحبت می‌کند و می‌گوید که تا این مرحله، بیش از ۱۰ سال مربیگری و شاگردی، اکنون او تیموتائوس را در واقع به عنوان پسرش می‌شناسد. پس نقش تیموتائوس چیست؟ اول، پولس او را به فیلیپی می‌فرستد تا بداند آنجا چه می‌گذرد و سپس بتواند اخبار را برای پولس ارسال کند.

در واقع، او این را اینگونه معرفی می‌کند، وقتی می‌گوید امیدوارم به زودی تیموتائوس را نزد شما بفرستم تا من هم از شنیدن اخبار شما خوشحال شوم. پولس می‌خواهد گزارش خوبی از آنچه در فیلیپی می‌گذرد بشنود، و او به زودی تیموتائوس را می‌فرستد تا درباره آنچه واقعاً در فیلیپی اتفاق می‌افتد، اطلاعات بیشتری کسب کند. دوم، او آنجاست تا برای بازگشت پولس آماده شود.

اگر دوباره به آیه ۲۳ نگاه کنید، پولس می‌نویسد: «بنابراین امیدوارم به محض اینکه ببینم اوضاعم چطور پیش می‌رود او را بفرستم، و به خداوند توکل می‌کنم که خودم هم به زودی خواهم آمد.» بنابراین او منتظر می‌ماند تا از حل و فصل شرایط قانونی خود در روم مطلع شود. آیا او تیرئه خواهد شد؟ آیا نخواهد شد؟ و سپس قصد دارد تیموتائوس را به فیلیپی بفرستد تا آنها را در جریان بگذارد، و در نهایت پولس می‌تواند بعداً به او بپیوندد.

بنابراین این اولین نمونه از طرز فکر مسیح‌گونه است، و پولس عمداً اعمال تیموتائوس را با استفاده از زبانی که قبلاً در فیلیپیان استفاده شده بود، توصیف کرده است، به طوری که خواننده دقیق آن ارتباطات را متوجه شود و بگوید، اوه پس این چیزی است که به نظر می‌رسد ترجیح دادن منافع دیگران بر منافع خودم است. من می‌بینم که تیموتائوس این را نشان می‌دهد. این یک الگوی ملموس برای من است که باید مشاهده کنم.

بله. خب، این تیموتائوس است. بعد به سراغ اپافرودیتوس می‌رود.

حال، اپافرودیتوس در موقعیت کمی متفاوتی قرار دارد. می‌بینید، اپافرودیتوس کسی است که فیلیپیان نزد پولس فرستادند. بنابراین اگرچه او اپافرودیتوس را می‌شناسد، اما به اندازه تیموتائوس رابطه نزدیک و عمیقی با او ندارد.

و با این حال، او اپافرودیتوس را بازمی‌گرداند، و می‌خواهم توجه کنید که او چگونه اپافرودیتوس را توصیف می‌کند. او سخنان بسیار دلگرم‌کننده‌ای در مورد اپافرودیتوس می‌گوید. او ابتدا از او به عنوان برادرش یاد می‌کند.

به عبارت دیگر، یک ایماندار، عضوی از خانواده خدا، و سپس یک همکار، کسی که در کنار او کار کرده است. بنابراین، او اپافرودیتوس را در همان سطحی قرار می‌دهد که خودش هست. او از او به عنوان زیردست پولس صحبت نمی‌کند. بلکه از او به عنوان یک همکار، کسی که در خدمت انجیل در کنار پولس کار می‌کند، صحبت می‌کند.

و سپس وقتی او از اپافرودیتوس به عنوان یک سرباز همکار یاد می‌کند، این تصویرسازی حتی شدیدتر می‌شود. و بنابراین من فکر می‌کنم او به طور خاص از این زبان استفاده می‌کند زیرا این ایده را مطرح می‌کند که اپافرودیتوس درگیر همان

مبارزه و درگیری است که پولس درگیر آن است. بنابراین اینها سه توصیف بسیار تأییدکننده هستند که پولس از اپافرودیتوس ارائه می‌دهد.

و قابل توجه است که او بر این موارد تأکید می‌کند، زیرا فکر می‌کنم او می‌خواهد مطمئن شود، همانطور که بعداً در این متن خواهد گفت، که فیلیپیان با گرمی از بازگشت او استقبال کنند. و اینکه آنها سخنان پولس را می‌شنوند که تأیید می‌کند و می‌گوید، اپافرودیتوس کاری را که از او خواسته بودید انجام داد. و به یک معنا، حتی فراتر از آنچه می‌توانستید. امیدوار باشید انجام دهد، عمل کرد.

بنابراین اینها چند توصیف هستند که پولس از او ارائه می‌دهد. اما سپس او در اینجا به چند توصیف دیگر می‌پردازد و او را رسول و خدمتگزار شما به زانو درمی‌آورد. بنابراین این فقط تأیید می‌کند که او توسط فیلیپیان فرستاده شده است تا خدمت خود را به پولس ادامه دهد.

و بنابراین او در این کار بر استقامت اپافرودیتوس تأکید می‌کند. این موضوعی است که واقعاً در اینجا با بررسی تجربیات او آشکار می‌شود. اپافرودیتوس در طول پریشانی و بیماری استقامت کرد.

بنابراین اگر به آیه ۲۶ نگاه کنید، او مشتاق همه شما بود و از شنیدن خبر بیماری‌اش پریشان شده است. اصطلاح پریشان، تنها موارد دیگری است که در عهد جدید در متی و مرقس برای توصیف پریشانی عیسی در باغ عدن آمده است. بنابراین این تصویری از شدت آن به شما می‌دهد.

اینکه چون اپافرودیتوس بیمار است، پریشان است زیرا اکنون نگران این واقعیت است که فیلیپیان نگران او خواهند بود. این همان چیزی است که باعث این پریشانی او می‌شود. اوه نه، کلیسای فیلیپی نگران من خواهد شد.

و من نمی‌خواهم نگرانی بیشتری برای آنها ایجاد کنم. در بحبوحه این بیماری، در ادامه آیه ۲۷، پولس می‌گوید، بله، شما شنیده‌اید که او بیمار بوده است. ممکن است از شدت آن چیزی نشنیده باشید.

او بیمار و نزدیک به مرگ بود. بله. و این نکته مهمی است که پولس اینجا مطرح می‌کند.

او بعداً در ادامه‌ی متن به آن برمی‌گردد. اما اگر لحظه‌ای مکث کنید و فکر کنید، چرا پولس او را اینگونه توصیف می‌کند؟ خب، اولاً، چون درست است. اما به فصل ۲، آیه ۸ فکر کنید، او چگونه اطاعت مسیح را توصیف کرد؟ اینکه مسیح تا سر حد مرگ مطیع بود.

و بنابراین او می‌گوید اپافرودیتوس، در پیروی از مسیح، برای انجام مأموریتی که شما او را فرستاده بودید، تا مرز مرگ پیش رفت. و با این حال او نمرد. پولس می‌گوید، خدا به اپافرودیتوس و او رحمت نشان داد.

آیه ۲۷، خدا نه تنها بر او، بلکه بر من نیز رحم کرد، مبادا غمی بر غم من افزوده شود. فکر می‌کنم منظور پولس این است که اگر اپافرودیتوس واقعاً مرده بود، غم و اندوه بسیار شدیدی ایجاد می‌شد. و باز هم، این به ایجاد تضاد در اینجا که پولس در زندان است، کمک می‌کند.

شرایط او خوب نیست. و حتی در حالی که با این موضوع دست و پنجه نرم می‌کند، در نهایت همچنان بر موضوع شادی تمرکز دارد. و خواهیم دید که این موضوع دوباره در آیه ۲۸ مطرح می‌شود.

بنابراین ظاهراً اپافرودیتوس بهبود می‌یابد. او موفق می‌شود هدیه‌ای را که کلیسای فیلیپی برای پولس جمع‌آوری کرده بود، با خود بیاورد. و اکنون پولس آماده است تا او را به کلیسای فیلیپی بازگرداند.

پس بیاید دوباره بازگشت اپافرودیتوس صحبت کنیم. شاید برای ما عجیب به نظر برسد که در آیه ۲۸ پولس می‌گوید که او را بازی گرداند تا شما از دیدن دوباره او شاد شوید. و سپس دوباره در آیه ۲۹ می‌گوید، او را در خداوند با کمال شادی بپذیرید.

شما فکر می‌کنید، خب، یک دقیقه صبر کنید. چرا پولس چنین تأکیدی روی این موضوع می‌کند؟ شما فکر می‌کنید که آنها طبیعتاً از بازگشت او خوشحال خواهند شد. با این حال، من فکر می‌کنم بخشی از چیزی که پولس سعی در

پرداختن به آن دارد این است که او سعی دارد تأکید کند که اپافرودیتوس در آن مأموریت موفق بوده است و آنها باید از بازگشت او به عنوان یک پیام آور موفق از طرف خود استقبال کنند و باید شاد باشند.

ایده آنجا این بود که ماموریت انجام شد. بنابراین آنها انتظار دارند، پولس انتظار دارد که با شادی از او استقبال کنند و انتظار دارد که به خاطر خدمت مسیح گونه اش به او احترام بگذارند. او در آیه ۲۸ می گوید، او را با شادی کامل در خداوند بپذیرید و چنین مردانی را گرامی بدارید، زیرا او نزدیک بود برای کار مسیح بمیرد.

دوباره آن لحن را داریم. او نزدیک بود بمیرد. پولس دو بار این را می گوید.

نزدیک بود برای کار مسیح بمیرد، و جان خود را به خطر انداخت تا نقص خدمت تو به من را تکمیل کند. و بنابراین اگر از خود می پرسید، منظور پولس از نقص خدمت تو به من چیست؟ فکر می کنم منظور او این است که با دادن هدیه توسط فیلیپیان، با ارائه آن هدیه توسط اپافرودیتوس، نیت آنها برای خدمت به پولس و برکت بودن برای او در نیاز خاصش برآورده می شود. حال پولس در نهایت در انتهای نامه به عقب برمی گردد و واقعاً از شما برای هدیه تشکر می کند، اما در اینجا تمرکز او بر اپافرودیتوس است و من می خواهم کمی در مورد ایده احترام به چنین مردانی تأمل کنیم.

اینکه پولس می گوید خوب است که نه تنها با شادی از بازگشت او استقبال کنیم، بلکه به او احترام بگذاریم. و نکته ی قابل توجه این است که ما قبلاً در مورد اینکه فروتنی یک فضیلت یونانی یا رومی نبود صحبت کردیم. اینکه چیزی نبود که ارزش داشته باشد، اما پولس سعی داشت نمونه ای از کسی را ارائه دهد که در انجام کار مسیح فروتنی زیادی نشان می دهد.

خب، حالا که کمی عقب تر می رویم، تصویر کلی اینجا چیست؟ فکر می کنم ایده کلی این بخش خاص را می توان اینگونه خلاصه کرد که بندگان خدا با به خطر انداختن همه چیزشان برای مسیح، ماهیت واقعی خود را نشان می دهند. بندگان خدا با به خطر انداختن همه چیزشان برای مسیح، ماهیت واقعی خود را نشان می دهند. پس بیایید این موضوع را کمی بیشتر بشکافیم.

در بخش اول که به بحث در مورد تیموتائوس اختصاص داده شده است، می توانیم به نوعی خلاصه کنیم که خادمان خدا ارزش اثبات شده خود را نشان می دهند. و از طریق مثال تیموتائوس، چند راه را می بینیم که آنها می توانند این کار را انجام دهند. با نشان دادن نگرانی واقعی برای دیگران و با جستجوی منافع مسیح به جای منافع شخصی.

و سوم، با تلاش برای گسترش روح. فکر می کنم همه ما احتمالاً تجربه تعامل با افرادی را داشته ایم که به ما علاقه نشان می دهند و گاهی اوقات از خود می پرسیم، آیا علاقه شما به من واقعی است یا به نوعی انگیزه خودخواهانه دارد؟ چه سودی برای شما دارد که به من علاقه نشان می دهید؟ و با این حال، وقتی ما دریافت کننده کسی هستیم که علاقه واقعی و نگرانی واقعی به ما نشان می دهد، نه به خاطر هیچ برنامه ای که دارد، حس عمیقی از تشویق و عشق از آن ناشی می شود. و تیموتی تصویری از آن را برای ما فراهم می کند.

دوم، بندگان خدا جان خود را برای کار مسیح به خطر می اندازند. در مورد اپافرودیتوس، این به معنای واقعی کلمه درست است؟ او این کار را با خدمت فداکارانه به دیگران انجام داد و کسانی که این کار را انجام می دهند، شایسته افتخار و شادی برای خدمتشان به مسیح هستند. اما اینطور نیست که هر مؤمنی فراخوانده شود تا جان خود را در خدمت مسیح به خطر بیندازد.

این چیزی نیست که خدا هر مؤمنی را به آن فرا می خواند. و با این حال تصویری از آن وجود دارد، درست است؟ وقتی ما برنامه ها، منابع و وقت خود را کنار می گذاریم و فداکارانه به دیگران خدمت می کنیم، این حس وجود دارد که زندگی زمینی خود را برای منفعت دیگران به خطر می اندازیم. امیدوارم در مقطعی از زندگی خود، نعمت عظیم کسی را تجربه کرده باشید که وقت، انرژی و منابع خود را کنار می گذارد و فقط با شادی در لحظه نیاز به شما خدمت می کند.

هیچ چیز واقعاً کاملاً شبیه به این نیست. می تواند طاقت فرسا باشد و گاهی اوقات آنقدر طاقت فرسا است که حتی نمی دانیم چگونه به آن واکنش نشان دهیم. اینکه کسی چنین توجه و عشق واقعی و عمل فداکارانه ای به ما نشان دهد.

بنابراین بیایید در حین صحبت به چند نکته کاربردی در اینجا فکر کنیم. خدا می خواهد ما چه فکری کنیم یا چه چیزی را بفهمیم؟ خب، یک چیزی که می توانیم در اینجا نتیجه بگیریم این است که خدا از قوم خود برای پیشبرد منافع خود

استفاده می‌کند، بسته به اینکه از چه پیشینه‌ای هستید یا حتی شاید سنت الهیاتی یا پیشینه کلیسایی. گاهی اوقات افرادی که از پیشینه‌هایی می‌آیند که بسیار بر حاکمیت خدا تأکید دارند، می‌توانند در این دام بیفتند که تقریباً فقط بگویند، خب، خدا کاری را که قرار است انجام دهد، انجام خواهد داد و واقعاً مهم نیست که من چه کار کنم.

و این کاملاً از حقیقت دور است. خدا از قوم خود برای پیشبرد منافع خود استفاده می‌کند. و وقتی در مورد آن فکر می‌کنید، خدا به اندازه کافی قدرتمند است که مجبور به انجام چنین کاری نباشد.

او اگر می‌خواست می‌توانست اراده و اهدافش را بدون ما محقق کند. با این حال، می‌گوید می‌خواهم با اجازه دادن به شما برای مشارکت در تحقق اهدافم، شما را متبرک کنم. بنابراین باید این را درک کنیم.

دوم، من باید باور داشته باشم که خدا می‌تواند از من استفاده کند. اینکه خدا می‌تواند از تو استفاده کند. و او روش‌های مختلفی برای استفاده از افراد دارد و گاهی اوقات ما کمی بیش از حد روی این موضوع متمرکز می‌شویم که خب، فقط افراد خاص و روش‌های خاصی وجود دارند که خدا می‌تواند از آنها استفاده کند، درست است؟ ما فکر می‌کنیم، خب، من آن مجموعه از استعدادهایی را که این شخص دارد، ندارم.

بنابراین ممکن است فکر کنید، خب، خدای من، او مسلماً می‌تواند از کشیش استفاده کند. او همه این استعدادها را دارد و واقعاً باهوش است و همه این آموزش‌ها و از این قبیل چیزها را دارد و من هیچ‌کدام از اینها را ندارم. من هیچ‌کدام از این توانایی‌ها را ندارم.

پس آیا خدا واقعاً می‌تواند از من استفاده کند؟ بله. او می‌تواند از مواهب، توانایی‌ها، وقت و انرژی شما برای برکت دادن به دیگران به روش‌های دیگر استفاده کند. و گاهی اوقات ما فکر می‌کنیم که باید پیشینه یا مهارت‌های خاصی داشته باشیم تا خدا از ما استفاده کند.

و خداوند قصد دارد که همه قومش در کاری که او انجام می‌دهد، مشارکت داشته باشند. سوم، اشتیاق. ما باید اشتیاق داشته باشیم که مانند یک خادم مسیح‌گونه زندگی کنیم.

یکی از چیزهایی که در دوران معاصر می‌بینم، این تمایل به فکر کردن به زندگی‌مان به عنوان یک مسیحی، به عنوان بخشی از زندگی‌مان است. و بنابراین شما این رویکرد را می‌بینید که زندگی را به این دسته‌های مختلف تقسیم می‌کند. خب، شغل من و بعد خانواده‌ام و بعد سرگرمی‌هایم. و بعد، اوه، و من هم یک مسیحی هستم.

و همه اینها به نوعی در این ترکیب هستند و من باید آنها را متعادل کنم و مطمئن شوم که به همه آنها در سطحی توجه می‌کنم. و این روشی نیست که ما به عنوان مسیحی قرار است زندگی خود را در آن بگذرانیم. هویت ما به عنوان پیروان مسیح باید هر جنبه دیگری از زندگی ما را شکل دهد.

و بنابراین وقتی این طرز فکر را داریم، به ما کمک می‌کند تا ببینیم که باید آرزو داشته باشیم که تمام زندگی خود را به عنوان یک خادم مسیح‌گونه زندگی کنیم. در نهایت، این کار را انجام دهید. من شما را تشویق می‌کنم که در مورد شناسایی کسی که خادم وفادار مسیح است فکر کنید و راهی ملموس برای نشان دادن احترام به او پیدا کنید.

این می‌تواند اشکال مختلفی داشته باشد. یکی از ساده‌ترین آنها می‌تواند ارسال یادداشت، پیامک، ایمیل به آن شخص باشد، یا اینکه دفعه بعد که او را می‌بینید، عمداً به او بگویید که خداوند از طریق او به شما برکت داده است. و این می‌تواند گاهی اوقات ناخوشایند به نظر برسد، اما این یک جنبه مهم از نشان دادن احترام است.

و می‌توان این کار را به گونه‌ای انجام داد که آن شخص را مغرور نکند. می‌توان آن را به گونه‌ای انجام داد که توجه را به این نکته جلب کند که من از کار خدا در تو و از طریق تو بسیار سپاسگزارم و از آن برکت یافته‌ام. بنابراین می‌خواهم از شما تشکر کنم و قدردانی خود را از نحوه استفاده خدا از شما در زندگی‌ام ابراز کنم.

می‌تواند به همین سادگی باشد. بنابراین، این بخش اولیه‌ی پولس است که نمونه‌هایی از طرز فکر مسیح‌گونه را به همراه دو همکارش، تیموتائوس و اپافرونتوس، به ما ارائه می‌دهد. در جلسه‌ی بعدی، خواهیم دید که پولس چگونه در مورد خودش به عنوان نمونه‌ای از طرز فکر مسیح‌گونه صحبت می‌کند.

من دکتر متیو اس. هارمون هستم در مجموعه مقالاتش در مورد فیلیپیان، با عنوان «در انجیل عیسی مسیح شاد باشید». «این جلسه شماره نه، نمونه‌هایی از طرز فکر مسیح‌گونه، بخش اول، همکاران پولس است. فیلیپیان، فصل دوم، آیات ۱۹ تا ۳۰.